

حضرت زهرا (علیها السلام) الگوی زنان عالم

<"xml encoding="UTF-8?">



امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
بمناسبة يوم المرأة العالمي

بسم الله الرحمن الرحيم

تولد حضرت زهرا (علیها السلام) روز جهانی زن

اگر روز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان روز زن اعلام می گردد، به این خاطر است که تا قبل از ظهور اسلام، تاریخ اختصاص به مردان داشت و مرد حیات زن را تحت الشعاع خویش قرار داده بود و به او میدانی که در آن بتواند خود را از نظر فکری عرضه کند، نمی داد. مرد به زن مجال نمی داد تا بتواند از انرژی ذخیره شده و نهفته در وجودش استفاده کند و در این برهه از زمان نقش زن یک نقش حاشیه ای بود و جزئی از شئون مرد به حساب می آمد و زن نیز تحت تاثیر همین قضیه، خود را به عنوان یک انسان مستقل باور نکرده بود. می توان از حضرت خدیجه هم نام برد چرا تولد او را - که این همه تحول به وجود آورد. - روز زن نمی دانید.

اسلام این معادله را درهم کوبید و زن و مرد را برای قبول مسئولیت های مناسب هر کدام مخاطب خویش قرار داد و نوع هر کدام را مشخص نمود. زیرا نقش هریک از زن و مرد طبق نوعی که دارد و عناصری که در تکیون و تکامل آنها لازم است، مختلف می گردد و این تنوع در دایره انسانیت باعث تکامل آنها است و مستلزم هیچ گونه برتری یکی بر دیگری نمی باشد. زیرا فضیلت انسان در معانی عقلی و روحی و حرکتی اوست نه در جنس آن و این نوع تمایز بین زن و مرد، تمایزی است که بر گرفته از خصوصیت های خاص هر کدام از این دو نوع است.

در حرکت های ارزشی، فرقی بین زن و مرد نیست

اسلام پس از اینکه خطوط کلی زندگی اجتماعی را در قرآن بیان کرد، نمونه هایی را از کارهای ارزشی - که توسط زنان یا مردان صورت گرفته است - ذکر نمود. اگر به قرآن بنگریم، می بینیم که وقتی از مسؤولیت های عمومی سخن می گوید، تنها از مرد حرف نمی زند بلکه از دو قشر زن و مرد باهم سخن می گوید. مثلاً در سوره احزاب آیه 36 می فرماید:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...»

«اگر خدا و رسولش تصمیم بر امری گرفتند و آن را حتمی کردند، هیچ مؤمن و مؤمنه ای این اختیار را ندارد که در آن باره به اختیار خود عمل نماید.»

مرد مؤمن و زن مؤمنه در مسیر مسؤولیت خود در برابر خداوند، حرکت می کنند تا آنچه را خدا به رسولش وصیت کرده است، اجرا کنند و خطابه های محکم خداوند هردو را شامل است.

همچنین هنگامی که خداوند از تلاش و کوشش خیرخواهانه، سخن می گوید و مسئله پاداش و اجر و مزد کار نیک را مطرح می کند، زن و مرد را باهم خطاب خویش قرار می دهد. «...أَتَى لَأُضِيعَ عَمَلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذِكْرِ أَوْ أَنْتَى...» (آل عمران، 195)

«من عمل هیچ زن و مردی را ضایع نمی کنم.»

در کار و کوشش و تلاش برای زندگی، فرقی بین زن و مرد نیست چه بسا کار یک زن پربارتر، مشخص تر، عمیق تر و بادوام تر از کار بعضی از مردان باشد.

همچنین وقتی متون تفصیلی اسلامی را مطالعه می کنیم، در انجام کارهای خیر هیچ فرقی بین زن و مرد نمی باشد. و در ذکر فضیلت های آنان نیز یکسان ذکر شده است. به عنوان نمونه در سوره احزاب آیه 35 می خوانیم که خداوند چگونه از نتایج اخروی صفات مثبت و خوب هم برای مردان و هم برای زنان خبر داده است و در این گونه صفات، زن و مرد عدل یکدیگر قرار گرفته اند. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمنه، مردان فروتن و زنان فروتن مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان نرم دل و زنان نرم دل، مردان بخشنده و زنان بخشنده، مردان روزه

دار و زنان روزه دار، مردان با عفت و زنان عفیف و مردانی که بسیار خدا را ذکر می کنند و زنان ذاکر، خداوند مغفرت و اجر عظیمی را برایشان مهیا ساخته است.»

در حرکت‌های ارزشی، ارزش عقیده و عمل صالح و موقعیت و جایگاه فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. زیرا انسانیت زن و مرد توانسته است حیات آنان را به وسیله اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع، تصدق، روزه، عفت و ذکر، غنی سازد.

مدیریت خانواده

اینکه در قرآن آمده است «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» معنای آیه، برتری مرد نسبت به زن نیست بلکه مراد و منظور، مدیریت در امور است هرچند در منزل و محیط آن، این زن است که صاحب اختیار و قوام است البته این مدیریت فقط در امور منزل می باشد نه در کل زندگی زیرا هر مؤسسه ای تنها باید یک مدیر و یک مشرف به امور داشته باشد و اگر در یک مؤسسه مدیرهای متعدد باشند، اداره آن مؤسسه با مشکل مواجه می شود مشکلی که تمام اعضای آن مؤسسه از آن رنج می برند. با این حال وقتی که خداوند از زندگی مشترک سخن می گوید، سخن از یک زندگی خواهد بود که باید طبق قانون خاص خودش باشد؛ قانونی که در آن گاهی مرد بر زن قوامیت دارد و زمانی عکس آن است زیرا خداوند فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (الروم، 21)

«از نشانه های خداوند آن است که از جنس خودتان برای شما ازواجی را آفرید تا موجب آرامش شما شود و بین شما مودت و دوستی قرار داد.»

زندگی مشترک، زندگی همراه با محبت است؛ محبتی که از قلبی برخاسته و دست به گردن قلب دیگری می شود. محبتی که از یک روح برخاسته و در آغوش روح دیگر قرار می گیرد. محبتی که از رحمت انسانی شروع و معیار سنجش ظرفیت انسان ها می گردد.

از دیدگاه اسلام ارزش یک انسان به انسانیت اوست و مرد و زن بودن دو خط تفصیلی در تنوع انسانی هستند که هرکدام بخشی از وجود دیگری را بی نیاز می سازد. زن حامل حالتی از غنای روحی و عاطفی است و مرد حامل نوعی غنای عقلی و روحی و عاطفی و به همین صورت در طول دوران زندگی، آن دو متکامل می گردند و انسانیت آنها در خلال این تکامل، محقق می شود.

حضرت زهرا (علیها السلام) آئینه تمام نمای مادر

حضرت زهرا (علیها السلام) دوران طفولیت را در حالی آغاز کرد که بارسنگین رسالت و مشکلات و مسائل خاص آن را بر دوش پدر حس می کرد. او در حالی پدر را درک کرد که از محبت مادر محروم مانده بود. همان مادری که هرچه داشت در راه شوهر اعطا کرد. خدیجه (علیها السلام) قلبش را اندیشه اش را مال و استطاعتش را داد تا راههای وصول به نتایج مثبت رسالت، باز شود. کانون زندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله) در آن زمان عبارت بود از خود پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خدیجه (علیها السلام) و علی (علیه السلام) و به همین جهت می شود گفت علی از نظر روحی و تربیتی، پسر پیامبر است. پیامبر (صلی الله علیه وآله) علی را در آغوش می کشید، او را می بوئید و هر روز خلقی از اخلاقیاتش را به او می آموخت و علی نیز همواره به دنبال پیامبر بوده و لحظه ای از او غافل نمی شد. زهرا (سلام الله علیها) در چنین خانه ای تربیت شد. هرچند مورخان در مدت عمر زهرا (سلام الله علیها) در این دوران حساس اختلاف دارند، برخی او را ده ساله و بعضی او را پنج ساله می دانند. با این همه یک چیز مشخص است که زهرا (سلام الله علیها) در این زمان حساس، در سنین کودکی قرار داشت ولی کارهایی را که انجام می داد در طاعت و توان یک کودک نبود. زهرا (سلام الله علیها) با توجه به مسئله رسالت پدرش، نقش خود را بخوبی می دانست؛ او درک می کرد که پیامبر در این مرحله و برای تسکین درد و رنجهایش، شریک و همراه می خواهد. ما بیش از این، از زندگی زهرا (سلام الله علیها) در این مرحله نمی دانیم و نیز چگونگی علاقه فردی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به زهرا (سلام الله علیها) را درک نمی کنیم ولی می دانیم که روزی زهرا (سلام الله علیها) در حالی پیامبر را دید که مشرکان شکمبه گوسفندی را بر روی پیامبر (صلی الله علیه وآله) انداخته بودند و زهرا (سلام الله علیها) بادهستهای کوچکش و در حالی که اشک بر چشمان معصومش جاری بود، آن کتافات را پاک می کرد. زهرا (سلام الله علیها) با این دستها و با این اشکها به یاری پیامبر (صلی الله علیه وآله) شتافت و در این رنج با او شریک شد. ما چیز زیادی از زندگی زهرا (سلام الله علیها) نمی دانیم ولی سخن پیامبر (علیها السلام) که فرمود: «فاطمه، مادر پدرش می باشد.» تمام این مسائل را حل و روشن می کند. زیرا تمام معانی کلمه «مادر» در این بیان عرشی نهفته است. مگر مادر برای کودکش چه کاری انجام می دهد؟

آری مادر تمام وجودش را به کودک تقدیم می کند، تمام روحش را، تمام مشاعرش را، همه احساسش را و تمام آغوشش را در اختیار کودک می گذارد و زندگیش را به او اهدا می کند تا بدین وسیله هم و غم و حزن کودکش را از بین ببرد، پیامبر نیز انسان است و دوران طفولیتش با از دست دادن مادر، دورانی پراز غم و اندوه می باشد ولی پیامبر هیچ گاه شکوه نکرده ولی در این زمان به غمخواری نیاز داشت که آن عقده ها را جبران کند و حق مادری را بجا آورد و زهرا به جای مادر مونس و غمخوار پیامبر شد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انسان است و هر انسانی دارای احساس و درک انسانی می باشد و او در این مرحله سخت که توسط دشمنان مورد اهانت و اتهام و سب و شتم قرار می گرفت به تکیه گاه نیاز داشت. هنگامی که پیامبر را با سنگ مورد هجوم قرار دادند و مشرکان تمام روشهای آزار و اذیت را نسبت به او اعمال می نمودند، زمانی که تمام شیاطین زمین و کسانی که ارزش انسانیت را درک نمی کنند با تمام توان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را مورد تهاجم خویش قرار می دهند. در این هنگام است که او نیاز به همراه و غمخوار دارد و این یار و مددکار کسی غیر از زهرا (سلام الله علیها) نیست. همان زهرائی که «مادر پدر» است و همان زهرائی که دختر جسمی، روحی و عقلی پیامبر است.

امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) اولین شاگردان مدرسه رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

علی (علیه السلام) و زهرا (سلام الله علیها) اولین شاگردان مدرسه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بودند، در هنگام نزول وحی که علی (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) می نشست، زهرا (سلام الله علیها) نیز نزد آنها می آمد و باهم وحی را قرائت می کردند. آنان با دقت به درسهای پیامبر (صلی الله علیه وآله) گوش می دادند. و پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای آنان معانی وحی را شرح می داد، هرچه را که خداوند برای انسان ها به پیامبرش آموخته بود.

علی و فاطمه از پیامبر (صلی الله علیه وآله) آموختند و به همین خاطر از نظر موقعیت فرهنگی، زهرا (سلام الله علیها) در ردیف علی (علیه السلام) می باشد و چه بسا از همین قضیه انسان معنای این کلمه را می فهمد که «لَوْ لَمْ اخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفاطمةَ ابْنَتِكَ كُفُوًّا» اگر علی نبود، برای فاطمه کفو و همتائی وجود نداشت. یعنی از این جایگاه علمی و عقلی زهراست که همتائی غیر از علی (علیه السلام) برای او یافت نمی شود. زهرا (سلام الله علیها) در سایه روحانیت و معنویت رسول الله (صلی الله علیه وآله) زندگی کرد. همچنان که علی (علیه السلام) نیز چنین بود.

وقتی که ما در مورد روحانیت امیرالمؤمنین بحث می کنیم، روحانیتی که حضرت علی (علیه السلام) طبق آن خدا را در اعلی درجه حب، دوست می دارد به طوری که در طول زندگی، خودش را فراموش می کند، می فهمیم که تمام حیات و زندگی علی (علیه السلام) برای خدا بوده است. همچنان که قرآن می فرماید: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ) (بقره، 207)

«و از مردم کسی هست که معامله می کند جانش را با خوشنودی خدا و خداوند به بندگانش مهربان است.»

و اینکه علی (علیه السلام) در دعای کمیل به خداوند عرض می کند: «فَهَيِّنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِك * فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي يَا إِلَهِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ * فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ»

«پس گیرم که صبر کردم ای پروردگار من! بر عذابت، پس چگونه صبرکنم بر جدائیت و ای پروردگار من! اگر صبر کردم بر سوز آتشت، پس چگونه صبر کنم از نگاه کردن بسوی کرامتت؟»

مشکل علی (علیه السلام) سوخته شدن به وسیله آتش نیست بلکه مشکل علی (علیه السلام) این است که حب خدائی را از دست بدهد. چون از خلال همین حب الهی است که علی (علیه السلام) پروانه گرد شمع پیامبر (صلی الله علیه وآله) شده است. به طوری که حتی در مناجاتها و تضرعها و سوزهایش و در تنهائی روحانیش در

«غار حرا» با او شریک می گردد.

خصوصیت منحصر به فرد حضرت زهرا (علیه السلام)

اگر علی (علیه السلام) شب و روز با پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود، فاطمه (سلام الله علیها) نیز به همان شکل در کنار آندو قرار داشت و این همان چیزی است که ما به عنوان نمونه و الگو از آن نام می بریم و نتیجه آن، این است که دوستی فاطمه (سلام الله علیها) تمام انسانها را در بر می گیرد و فاطمه (سلام الله علیها) چنان تربیت شده است که درد و رنج انسانهای دیگر را بر خود ترجیح می دهد. او ابتدا برای دیگران دعا می کند و سپس برای خودش، وقتی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در حال اقامه نماز شب بود و برای دیگران دعا می کرد فرزندش امام حسن (علیه السلام) به او عرض کرد: مادر! چرا برای خودت دعا نمی کنی؟

فرمود: ای پسرکم! همسایه قبل از اهل خانه می باشد. «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» «دیگران را بر خود ترجیح می دهند، هرچند خود در تنگدستی باشند.» (حشر، 9)

و این همان محبت انسانی عمیق است که اول همسایه و سپس خود انسان را در نظر می گیرد. و این چنین است که می بینیم معنویت و روحانیت وقتی در قلب انسانی رشد و نمو پیدا کرد معنی الوهیت و عبودیت و معنای رسالت را درک می کند و این زمان است که روح بالا می رود و این حالت روحانیت از خصوصیت فردی او تجاوز نموده و این حب الهی به حب مطلق انسانها تبدیل می گردد، بنابراین انسانی که خدا را دوست دارد ممکن نیست انسان دیگر را مبعوض خویش پندارد. زیرا «الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ وَ إِنَّ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لَخَلْقِهِ»

«انسانها عیال و خانواده خداوند هستند و دوست داشتنی ترین آنها نزد خدا، کسی است که سودش بیشتر بر دیگران برسد.»

و این چنین است که زهرا (سلام الله علیها) علم و شاخص می گردد، بعد از آنکه او کانون عاطفه و غمخوار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است و او موجود می شود تا موجودی روحانی و فیاض باشد و به جهان، روحانیت افاضه کند. زهرا (سلام الله علیها) به خانه شوهر رفت در حالیکه بیت او و علی (علیه السلام) کانون اسلام بود. تمام فریاد علی (علیه السلام) فریاد اسلام بود و تمام فریاد فاطمه (سلام الله علیها) برای اسلام، فضای عالم را پرکرد. در این بیت تمام صبر علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) بر رنجهایی بود که در راه اسلام به جان خریدند و تحمل نمودند. حتی وقتی که از پیامبر درخواست شد که برای فاطمه (سلام الله علیها) خادمه ای استخدام شود تا در کارهای خانه، او را کمک نماید، پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «34 مرتبه الله اکبر و 33 مرتبه الحمد لله و 33 مرتبه سبحان الله بگوئید.» یعنی همین چیزی که به تسبیح زهرا (سلام الله علیها) مشهور است و این چیزی بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) بجای خادم به آنان تقدیم کرد. گوئی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به آنان می گفت: صبر کنید و صبر شما خدائی باشد که تحمل رنج و مشقت در راه خدا از غسل شیرینتر

است مادامی که انسان در تحت توجهات خاص ربوبی قرار گیرد.

حضرت زهرا (علیهاالسلام) باوفاترین همسر

زهرا باوفاترین همسران عالم است و این همان چیزی است که در آخرین لحظات زندگی و در حالت احتضار به امیرالمؤمنین(علیه السلام) عرض کرد: «هل عهدتني خائنة او خالفتك منذ عرفتک؟»

«آیا خیانتی را از من به یاد داری و یا اینکه از وقتی تو را شناخته ام آیا با تو مخالفت کرده ام؟»

زهرا (سلام الله علیها) با خیره شدن در چشمان علی (علیه السلام) می فهمید که او چه می خواهد و آنگاه که به صورت او نگاه می کرد، می دانست که چه چیزی را دوست دارد و از حرکت فکر او آگاه می شد و به خاطر همین همفکری بود که آن دو توانستند این خانه اسلامی را پایه گذاری کنند و آن را به مهد اسلام تبدیل نمایند و از این چنین والدینی، فرزندان چون حسن و حسین علیه السلام و زینب (علیهاالسلام) به وجود می آید. فرزندان که مانند کواکب و ستارگان نورانی در عالم اسلامی به نور افشانی پرداختند و علی رغم تمام رنج ها و محنت هایی که همانند پدر و مادرشان متحمل شدند، توانستند این نورافشانی را به کمال برسانند. پرواضح است که مصائب و رنج آنان شخصی نبود بلکه دردی بود که در خط رسالت و برای حفظ رسالت متحمل گردیدند. امام حسین (علیه السلام) در این باره می فرماید: «هَوَّنَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ»

«چون مصائب به خاطر خدا و در راه او بر من نازل شد، تحملش آسان است.» و حضرت زینب (علیهاالسلام) نیز از آنها تعبیر می کند به اینکه: «اللهم تقبل منا هذا القربان»، «خداوندا! این قربانی را از ما قبول کن.»

و این، همان سر علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) است. این همان فیض روحی و صبر و لذت در مشکلات است که به علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) داده شد. این فرزندان شاهد بودند که چگونه به پدر و مادرشان ظلم شد و آنان چگونه این آزارها را در راه رسالت پیامبر تحمل کردند. علی (علیه السلام) در این باره می گوید: «لاسلمن ماسلمت امورالمسلمین و لم یکن فیها جور الاعلی خاصه»

«مادامی که امور مسلمین در سلامت باشد، من نیز راحتم و مشکلات را من به تنهایی تحمل می کنم تا مسلمانان در آسایش و رفاه زندگی کنند.» و دیگر امامان شیعه نیز انواع ظلمها را در قضایای مختلف تحمل کردند تا مسلمانان در آسایش باشند.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مصلح و مرشد

طبق آنچه که ناقلان سیره ها نوشته اند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) همچنان که بارسنگین منزل را به دوش می کشید و همانگونه که کارهای منزل پدر را انجام می داد (زیرا بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بیت فاطمه بود.) در کنار تمام این زحمات، کار تعلیم و تربیت زنان را نیز برعهده داشت. زهرا (سلام الله علیها) طبق نقل سیره نویسان هر آنچه را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) می شنید، می نوشت. در بعضی از احادیث آمده است که مردی نزد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) شرفیاب شد. (طبق این روایت معلوم می شود که مردان نیز از آن حضرت مسائلی را سؤال کرده اند و زهرا (سلام الله علیها) نیز از سؤال آنان استقبال نموده است.) و گفت: ای دختر رسول خدا! آیا پیامبر اسلام در نزد شما چیزی را گذاشته است که بهره ای از آن نصیب من شود؟ پس آن حضرت رو به فضا کرده، فرمود: آن پارچه حریر که مطالبی برآن نوشته شده است را بیاور. فضا رفت ولی آن را پیدا نکرد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) کمی اراحت شد و فرمود: آن پارچه باید پیدا شود، زیرا آن نوشته در نزد من با حسن و حسین برابری می کند. آن نوشته، تراث و ارثیه پیامبر است. فضا برگشت و آن را در حالی که در گوشه ای از خانه افتاده بود، پیدا کرد. در این نوشته - که ظاهراً حضرت زهرا (سلام الله علیها) آن را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) شنیده و بر روی تکه ای از حریر نوشته بود. - پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «مؤمن نیست کسی که همسایه اش از آزار او در امان نباشد و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه اش را اذیت نمی کند. و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد زبانش را با کلمات خیر ادا می کند و یا ساکت است. زیرا خداوند انسان خیر و بردبار و عقیف را دوست دارد و از انسان فاحش و دارای سوءظن و بد زبان و جدال کننده بدش می آید. به درستی که حیاء از ایمان است و ایمان در بهشت و فحش و ناسزا از بد زبانی است و بد زبانی در آتش است.» بسیاری از این دسته احادیث و غیر آنها را زهرا (سلام الله علیها) به عنوان میراث رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حفظ کرد. هرچند تاریخ جز اندکی از آنها را برای ما نقل نکرده است.

حضرت زهرا (علیها السلام) خطیب مجاهد

زهرا (سلام الله علیها) علاوه بر داشتن موقعیت تربیتی، فرهنگی و تعلیمی، خطیبی مجاهد و نستوه بود. در آن موقعیت زمانی خاص که حق علی (علیه السلام) غصب شد و نیز در قضیه فدک، حقوق زهرا (سلام الله علیها) نادیده گرفته شد، در این زمان خانه علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) دچار مشکلات خاصی شده بود که مورخان به تعبیر مختلف از آن برهه سخن گفته اند. در این وضعیت خاص، زهرا (سلام الله علیها) چند موضعگیری خاص دارد و برای دفاع از حقوق خود و همسرش از شیوه های مختلفی برای مبارزه استفاده می کند. او گاهی با خطابه و زمانی با محاوره و گاهی با اقامه دلیل و برهان و زمانی با قدرت و سلحشوری خاص خود در برابر دشمن می ایستاد. او دلیل را با دلیل پاسخ می داد و هرگاه دشمن از قدرت فیزیکی استفاده می کرد، زهرا (سلام الله علیها) نیز مقابله به مثل می نمود و اگر احساس می کرد که با عتوفت و نرمی می تواند کاری از پیش ببرد، آن کار را می کرد. زهرا (سلام الله علیها) در مسجد به خطبه ایستاد. خطبه ای که در تاریخ عرب نظیر ندارد.

ما تا قبل از او، زن خطیبی را نمی شناسیم که از اسرار تشریع اسلامی با عناوین بزرگ و جذاب پرده بردارد و هر کدام از آن عناوین را تفسیر خاص خود بیان کرده و حکمت آن را بازگو کند. او مردم را نسبت به باطن شریعت آگاه می کرد و لحظه ای از ارشاد باز نایستاد. او در قضیه ارث با بیانی واضح و مستدل، حق خود را مطالبه کرد. سپس در مورد حق علی (علیه السلام) و اصولی که حضرت علی (علیه السلام) مبارزه اش را بر آن اصول استوار کرده بود، با زنانی که گرداگرد او حلقه زده بودند، بحث می کرد.

حضرت زهرا (علیها السلام) رهبر سیاسی زنان

وقتی که مردان مدینه برای عذر خواهی پیش او آمدند، زهرا (سلام الله علیها) آنان را ملامت و سرزنش کرد. و با الفاظی آتشین آنان را به عذرخواهی واداشت و چنانکه از روایات بر می آید همین گونه قاطع و گویا در مورد حق پایمال شده خود و همسرش با مسلمانان سخن گفت.

او یک انسان سیاسی کامل بود که به شگردهای یک کارسیاسی قوی کاملاً آشنائی داشت. او یک تنه و تنها در برابر سلطه زمان خود ایستاد و در مواردی که علی (علیه السلام) به خاطر مصالحی به صورت مستقیم دخالت نمی کرد، این زهرا (سلام الله علیها) بود که همانند ابر بهاری غرش می کرد و خائنان را بر سر جای خود می نشاند. او در مسجد خطبه خواند در حالی که تنها بود. زهرا (سلام الله علیها) به تنهائی در میدان مدینه حاضر می شد و افشاگری می کرد. روش دیگر آن حضرت برای مبارزه اظهار اندوه و ناراحتی در رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که با این وضعیت، موجبات یک انقلاب و دگرگونی را در مردم ایجاد نمود. زهرا (سلام الله علیها) با این عمل به زن مسلمان درس مبارزه داد و مشروعیت داخل شدن در کارهای سیاسی را برای زنان امضاء نمود. او حتی این مبارزه را بعد از مرگش و به وسیله چگونگی کفن و دفنش ادامه داد. زمانی که وصیت کرد که در شب دفن شود و کسانی که به او ظلم کرده اند، در تشییع جنازه اش شرکت نکنند.

حضرت زهرا (علیها السلام) سرچشمه فضیلت ها

به سؤال اول بر می گردیم که چرا روز تولد زهرا (سلام الله علیها) به نام «روز زن» نامگذاری شد؟ زهرا (سلام الله علیها) از نظر عقلی نمونه ا کامل و اتم زنان است، زیرا عقل او قطعه ای از عقل رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می باشد. روح زهرا (سلام الله علیها) نیز کاملترین روح است، زیرا روح او نیز جزئی از روح پیامبر (صلی الله علیه وآله) است. زهرا (سلام الله علیها) در علمش، در حرکت فرهنگی اش، در زندگی زناشوئی اش، در مادر بودنش و خلاصه در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، نمونه ا کامل و اتم زن است.

اسلام خطاب به زنان می گوید: این فاطمه است، دختر رسول خدا و سرور زنان عالم. البته نه به لحاظ نسبت بلکه سرور زنان عالم است از نظر فضیلت های انسانی، پس به دامن زهرا (سلام الله علیها) چنگ زنید و به سوی او بشتابید تا از او بیاموزید که چگونه یک انسان می تواند دوستیش مربوط به کل انسانها باشد؟ چگونه عطا و بخشش او برای تمام انسانیت باشد؟ چگونه مسؤولیت فرهنگی و حرکت فرهنگی او همه مردم را در بر می گیرد؟ یاد بگیرید که چگونه یک زن در برابر ظالمان و ستمگران قدعلم می کند و خم به ابرو نمی آورد.

فاطمه (سلام الله علیها) به زن می گوید: ای زن! تو باید انسان باشی نه وسیله ای که به خاطر مؤنث بودنش وسیله بازی قرار گیرد و انسانیتش سقوط کند. ای زن! تو انسانی با خدا باش. انسانی که از نظر معنوی و روحانی و عقلی، انسانهای دیگر را مجذوب خود می کند. بنابراین زن و مرد دو انسانند که هرکدام طبق فیزیک خاص خود کارمعین و مسؤولیت مشخص خود را دارند و هر دوی آنها طبق آیه 71 سوره توبه به وظیفه خود که همان امر به معروف و نهی از منکر است، عمل می کنند. آنان تلاش می کنند تا بر اساس حق و عدل و خیر که همان معروف است، حرکت کنند و نیز می دانند که هرچیزی باعث سقوط انسان در زندگی شود، منکر است و از منکر نهی می کنند.

بنابراین در روز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) مردان و زنان مؤمن باید بسوی حیات معقول و آخرت برتر، حرکت کنند. حیاتی که در آن هرکاری که محبوب خدا باشد، انجام دهند و در آخرت نیز به رضوان خدا برسند که «رضوان من الله اکبر» و این رضوان، همان فاطمه (علیهاالسلام) است .